

شکاف در بالا، هراس از قدرت پائین (در حاشیه شکست طرح نفوذ و امنیت)

اطلاعیه حزب حکمتیست (خط رسمی)

طی یک هفته اخیر، دو خبر گویاتر از صدها تحلیل سیاسی منتشر شد. خبر تصویب کلیات «طرح مقابله با نفوذ سرویس‌های اطلاعاتی و دولت‌ها یا نهادهای بیگانه» از طرف مجلس و مخالفت رسمی دولت در برابر همان طرح با هشدار نسبت به پیامدهای سیاسی، اجتماعی، علمی و بین‌المللی آن!

این فقط اختلاف دولت و مجلس نیست. پشت این تناقض یک واقعیت بزرگ‌تر ایستاده است: هراس از جامعه؛ هراس از مردمی که حاکمیت بارها قدرتش را دیده و طعم «تلخ» فروش شان را چشیده است. جمهوری اسلامی امروز با جامعه‌ای روبه‌روست که دیگر نمی‌توان هر تصمیمی را بدون محاسبه واکنش آن و آواری که بر سرش میریزد، پیش برد. حکومت هنوز زندان دارد، دستگاه امنیتی دارد، نیروی نظامی دارد و اعدام و سرکوب می‌کند. اما همین حکومت بارها ناچار شده در برابر واکنش گسترده جامعه عقب بنشیند، طرح‌هایی را متوقف کند یا اجرای آن را به تعویق بیندازد. ... صفحه ۲

نمونه برجسته آن قانون «حمایت از خانواده از طریق ترویج فرهنگ عفاف و حجاب»، قانونی با هدف بازپس‌گیری دستاوردهای خیزش «زن، زندگی، آزادی»، بود. قانونی که پس از تصویب در مجلس، پس از کشمکش دولت و مجلس بر سر اجرای آن، بالاخره با دخالت شورای عالی امنیت، در آذر ۱۴۰۳، از دستور مجلس و دولت خارج و بایگانی شد.

چرا حکومتی که خود قانون را تصویب کرده بود، از رفتن پای اجرای آن عقب نشست؟ ... صفحه ۲

شورش گرسنگان از شعار تا واقعیت

در ستایش شکل دادن نطفه‌های حکومت کارگری

مصطفی اسدپور

جنگ قمار و حدس و گمان بر سر یک شورش گرسنگان در طالع کوتاه مدت تحولات در ایران کماکان بگرمی ادامه دارد. پر حرارت‌تر از همه خود جمهوری اسلامی و از زبان ارگانهای کمابیش کارگری آن هستند. نوشته حاضر هر چند که تعیین و ترسیم مشخصات دقیق تلاطم‌ها ممکن نیست، اما در همین حد هم که هست، «بازی» رسانه‌های مقامات جمهوری اسلامی با آتش در راه خیزش تازه را می‌پزد و مخاطرات خیزش تازه و به مشخصات مقابله با این شرایط را می‌پردازد. گذری بر اخبار تیر و مردادماه به‌مراه تجزیه و تحلیل حواشی جنگ برای نوشته مبنایی است شتاب‌جنون آمیز جامعه به سوی خیزش بعدی از نظر کمونیست‌ها در مقابل کل بورژوازی را معنی جدی ببخشد. حرف حساب نوشته این است بدون شک در غیاب بحث و دخالت کمونیستی جامعه و طبقه کارگر در مقابل شورش گرسنگان و شکست ناگزیر آن بدون حفاظ ایستاده است. به عبارت دیگر «شورش گرسنگان» چقدر شورش و چقدر گرسنگی و چقدر اجتناب‌ناپذیر یا ناگهانی؛ موضوع این نوشته است. بورژوازی ایران از موارد قبلی درسهای مهمی آموخته و موضع تهاجمی و اشتهای آن در عقب راندن طبقه کارگر واقعاً خیره‌کننده است. ... صفحه ۳

محاصره اقتصادی مردم ایران، جنایت علیه بشریت است

امان کفا

آمریکا افزایش تحریم‌های اقتصادی علیه ایران، و هر فرد یا نهادی را که در دور زدن تحریم‌ها علیه ایران سهم داشته باشد، اعلام داشت. این تحریم‌ها، بنا بر سخنانی اسکات بسنت، فراتر از آنچه تا بحال تصویب شده است، قرار است که امکانات و توان اقتصادی ایران را به حدی کاهش دهد که مقامات جمهوری اسلامی تمامی خواسته‌های اعلام شده ترامپ را در مذاکرات بپذیرند. دولت آمریکا مدعی است که این سیاست در مورد ونزوئلا و کوبا موثر بوده است و امروز نیز با اعمال آن در مورد ایران، نتیجه خواهد داد.

ترامپ مدعی است که آمریکا از چنان قدرتی برخوردار است که این تحریم‌ها را اجرا کند و دسترسی جمهوری اسلامی به منابع و امکانات اقتصادی خود را، متوقف سازد. به عبارتی دیگر، تهدیدها چنان برنامه ریزی شده‌اند که هرگونه تجارت با ایران غیر ممکن خواهد بود. اما، این ادعا، در دنیای چند قطبی امروز نه آسان است و نه به فوریت قابل اجرا. مستقل از توان نظامی و اقتصادی آمریکای امروز، اجرای همه جانبه چنین سیاستی در دنیای چند قطبی کنونی، با در نظر داشتن گستردگی تجارت جهانی، تنها حاکی از این واقعیت است که سیاست جنگی و نظامی آمریکا و اسرائیل شکست خورده است. این شکست نه در رابطه با ایران، بلکه شکست قابل تاملی در سیاست به مراتب وسیع‌تر آمریکا، و بر متن رقابت‌های منطقه‌ای و جهانی است که با این جنگ در ایران کلیک خورد. همانطور که بازتاب تا به امروز چنین شکستی در شکلگیری‌های جدید سیاسی، نظیر پیمان نظامی عربستان، ترکیه و پاکستان، به وضوح قابل مشاهده است. در عین حال، مقامات جمهوری اسلامی نیز، هر کشوری را که به این تحریم‌ها تن دهد، «دشمن ایران» معرفی کردند و برای آنان خط و نشان کشیدند. این تهدیدها، با تکیه به جایگاهی است که جمهوری اسلامی در سطح منطقه و فراتر از آن، به یمن این جنگ، نصیب خود کرده است.

موقعیتی که جمهوری اسلامی تلاش دارد تا از آن بیشترین استفاده را در قبال دشمن اصلی خود، یعنی مردم و جنبش اعتراضی در ایران، به کار گیرد. ... صفحه ۴

آزادی
برابری
حکومت کارگری

معادله قدرت است. طرف دیگر میلیون‌ها انسانی هستند که جامعه را می‌گردانند و می‌توانند بنیادهای جامعه را از پایین تغییر دهند.

همین نیروی پایین جامعه است که می‌تواند محاسبات بالای حکومت را به هم بریزد؛ همان نیرویی که باعث می‌شود قانونی نوشته و تصویب شود، اما هنگام اجرای آن دست‌ها بلرزد و شورای عالی امنیت ملی وارد میدان شود؛ همان نیرویی که باعث می‌شود حتی درون حکومت بر سر هزینه سیاسی و اجتماعی طرح‌های امنیتی اختلاف ایجاد شود.

مردم آزادیخواه ایران!

قدرت خود را دست‌کم نگیرید! حاکمیت از جامعه‌ای آرام و پراکنده نمی‌ترسد. از لحظه‌ای می‌ترسد که اعتراض‌های جدا از یکدیگر به یک قدرت اجتماعی سراسری تبدیل شوند. از پیوند زن و کارگر، معلم و دانشجو، بازنشسته و جوان می‌ترسد. از لحظه‌ای می‌ترسد که مردم دیگر منتظر نتیجه کشمکش دولت‌ها، جنگ‌ها، تحریم‌ها و معاملات پشت پرده نمانند و خود به عنوان یک نیروی مستقل وارد میدان سیاست شوند. به همین دلیل آینده ایران را نباید فقط از پشت نقشه جنگ، موشک‌ها، مذاکرات و موازنه دولت‌ها دید.

شما یک طرف این موازنه اید. نه استبداد داخلی و نه هیچ قدرت خارجی قرار نیست آزادی را به جامعه هدیه کند. نیروی آزادی در پایین جامعه است؛ در میلیون‌ها انسانی که اگر قدرت خود را بشناسند، متشکل شوند و به میدان بیایند، می‌توانند تمام محاسبات قدرت را تغییر دهند. آنها این قدرت را دیده‌اند. در خیابان دیده‌اند. در اعتراض زنان دیده‌اند. در اعتصاب کارگران دیده‌اند. در اعتراض معلمان و بازنشستگان دیده‌اند. و در عصیان نسلی دیده‌اند که دیگر به آسانی عقب نمی‌رود. نه موشک، نه پهباد، نه دستگاه امنیتی و نه هیاهوی «دشمن خارجی» نمی‌تواند برای همیشه دشمن اصلی جمهوری اسلامی، قدرتی عظیم که در پایین جامعه وجود دارد، را حاشیه ای کند.

قدرتی که هنوز تمام ظرفیت خود را به میدان نیاورده، اما حاکمیت بارها تنها با دیدن گوشه‌هایی از آن عقب نشسته است. این سرچشمه و نقطه هراسشان است: ترس از روزی که این قدرت پراکنده، به قدرت متشکل مردم تبدیل شود.

حزب حکمتیست (خط رسمی)

دوم شهریور ۱۴۰۵ - ۲۴ اوت ۲۰۲۶

زیرا میدانستند جامعه به مصاف آن میرفت، زنان و نسل جوان به آن جواب نه میدادند و ادامه و پافشاری بر اجرای آن به جدالی بزرگ با جامعه تبدیل میشد که انتهای آن بر جمهوری اسلامی روشن نبود. حاکمیت تجربه جنبش دیماه ۶۹، آبان ۹۸ و جنبش «زن، زندگی، آزادی» را داشت و خطر رویارویی دوباره با جامعه‌ای که یک بار نشان داده بود تلاش برای تحمیل زندگی زیر قوانین ارتجاعی اسلامی، ضد زن و عقب مانده می‌تواند آتش یک اعتراض عظیم اجتماعی را شعله ور کند، را می‌دید.

این همان هراسی است که امروز نیز باید در پس اختلاف بر سر اجرای طرح‌های امنیتی دید. نه مجلس و نه دولت مخالفت تعرض به جامعه و فضای سیاسی آن به نام «طرح نفوذ و امنیت» ندارند. اختلاف بر سر ارزیابی آنها از میزان تحمل جامعه و هراس از عکس العمل مردم و عواقب آن است.

چند دهه است، هر اعتراض و ناراضیتی اجتماعی با ادبیات «دشمن»، «نفوذ»، «توطئه خارجی» و «امنیت ملی» توضیح داده می‌شود. اما روسای حکومت بهتر از هرکسی می‌دانند که فقر، گرانی، تبعیض، سرکوب، بی‌حقوقی، استثمار و بردگی و به‌علاوه اعتراض جامعه، اعتراض طبقه کارگر و زنان، معلمان، پرستاران، بازنشستگان و خشم جوانان را هیچ سرویس اطلاعاتی خارجی اختراع نکرده است. اینها در دل همین جامعه تولید شده‌اند و درست همین واقعیت برایشان ترسناک است. زیرا دشمن خارجی را می‌توان با موشک و ارتش و دستگاه اطلاعاتی توضیح داد و با آن مقابله کرد؛ اما با میلیون‌ها انسانی که دیگر حاضر نیستند مانند گذشته فرمان ببرند چه باید کرد؟ هراس واقعی از پایین است.

هراس واقعی از تبدیل این نفرت عمومی به سازمان، به اتحاد پایدارتر و سازمانیافته تر است. ترس از تبدیل ناراضیتی و نفرت کارگران از زندگی حقیرانه تحمیل شده، از قانون و سیستم استثمارگرانه کنونی به اعتصابات قدرتمند کارگری که هیچ ارتش و زندان و تهدیدی توانای مقابله جدی با آنرا ندارد، است. ترس بالا از این است، ترس از نسلی که ترس گذشته را کمتر با خود حمل می‌کند و از زندان و تهدید دستگاه سرکوب نمی‌ترسد. به همین دلیل است که حتی در بالاترین سطوح حکومت بر سر این سؤال اختلاف ایجاد می‌شود که تا کجا می‌توان به این جامعه فشار آورد بدون آنکه انفجار اجتماعی دیگری را تحریک کرد.

تحولات نظامی و سیاسی منطقه واقعی‌اند. رقابت آمریکا، اسرائیل، جمهوری اسلامی، روسیه، چین و دیگر دولت‌ها واقعی است. موشک و پهباد و جنگ و تحریم نیز واقعی‌اند. اما این فقط یک طرف

برابری

برابری، یعنی نه فقط برابری حقوقی و قانونی، نه فقط برابری شهروندان جامعه از هر قوم و نژاد و جنسیت، بلکه برابری در امکانات مادی در دسترسی به ابزارهای ارتقا و شکفتن استعدادهای فردی و اجتماعی، برابری در تولید و در زیست، برابری در اعمال اراده در سرنوشت اقتصادی، سیاسی و اداری جامعه خود، برابری در بهره‌مندی از محصولات مادی و معنوی کار و تلاش اجتماعی و برابری در مبارزه برای فائق آمدن بر هر عقب ماندگی و کمبود، برابری که تنها با در هم کوبیدن مالکیت خصوصی بورژوازی بر وسایل تولید و مبادله، از میان بردن بردگی مزدی و قرار دادن وسایل تولید و ثروت جامعه در مالکیت جمعی و اشتراکی کلیه انسانهای سهم در فعالیت اجتماعی حاصل میشود.

برای بورژوازی حاکم با هر نام خیزش و یا شورش و یا حتی انقلاب تا آنجا خطرناک است که از کنترل آنها خارج باشد. تلاش همین امروز مانند موارد متعدد دیگر سالهای قبل، تلاش جمهوری اسلامی تلاش برای یک موج اعتراضی زودرس است. زمینه لازم برای آن در طیف وسیع رنگارنگ اپوزیسیون دست راستی و ارتجاعی و ناسیونالیستی فراهم است و این قمار همچنان ادامه دارد. برای کمونیستها جز تعرض قوی تر چاره دیگری نیست، که باید موقع به میدان بیاید. تعرض کارگری و کمونیستی آنجاست که صفحه رویاروی طبقاتی را شکل دهد که بنوبه خود نه شورش و نه گرسنه را برای تعریف خود و برای مشخصات مبارزه خویش تقلیل گرایانه و طبقاتی مسموم دیده و آنرا نمی پذیرد.

اپیزود اول: در عالم واقع، خشم بازار با شورش گرسنگان؟

توجه شما را به دو خبر از میان عناوین مهم خبری تیر و مرداد ماه سال جاری در ایران جلب میکنم:

«سایه گرانی نان بر زندگی فرودستان / دیگر طبقه متوسط نداریم»
(سایت خبری اکونومیست، تاریخ ۲۰ تیرماه ۱۴۰۵)

قیمت اقلام اساسی در بازار روند صعودی خود را ادامه می‌دهد، اکنون نان، که برای بسیاری از خانواده‌های کم‌درآمد و گروه‌های ضعیف‌ترین اقشار، اصلی‌ترین قوت است، با افزایش قیمت مواجه شده است. این مساله نه تنها بر قدرت خرید مردم اثر گذاشته، بلکه زنگ خطری جدی برای امنیت غذایی دهک‌های پایین به شمار می‌رود. افزایش هزینه‌های نان، ادامه روند کاهش سفره‌های خانوار و کاهش سبد مصرفی مناطق فقیر را نشان می‌دهد. در سال‌های قبل، کاهش منابع پروتئینی و حبوبات، اکنون نان تنها منبع اصلی تامین کالری بسیاری از خانواده‌ها است. با رشد قیمت‌ها، آنچه در یک زنجیره زودبازده دیده می‌شود، بحران معیشتی است که زندگی میلیون‌ها نفر را تحت تاثیر قرار داده است. آمارهای رسمی نشان می‌دهد که هزینه‌های نان در طول یک سال گذشته تا ۱۴۰ درصد افزایش یافته، در حالی که خود بازار گواهی می‌دهد قیمت‌ها در برخی مناطق حتی تا دو برابر شده است...

«چاره ای جز جیره بندی سوخت نداریم/ نرخ را پلکانی افزایش دهید»
(خبرگزاری کار ایران - ایلنا؛ دهم مردادماه ۱۴۰۵)

یک کارشناس اقتصادی به این اینکه بنزین نداریم، راهکارهای قیمتی را شکست خورده خواند و گفت: باید واقعیت را بپذیریم و بدنبال ریاضت اقتصادی و همچنین جیره بندی بنزین تعطیلی خودروسازی و محدودیت تردد خودروهای شخصی باشیم تا از این دوران عبور کنیم...

در همان خبر اول با جایگزینی «دهک» جمعیت بزرگی از ایران بجای مخرج مشترک کار و بهره کشی و کارگری با انواع شکاف بالا و پایین، منطقه، سبد کالایی از هم جدا میشوند. می‌رسید رقم ۱۴۰ درصد از کجا آمده است؟ متون ذکر شده فوق هر یک بنوبه خود نه فقط یک «خبر» بلکه یک پمپ در دل جامعه ای است تمام نقطه اتکای خود در تمام زمینه های را از دست داده است. افزایش قیمت نان و صف های جلوی بنزین را از چند هفته قبل مردم با چشمان خود دیده اند. همزمان با توجیهاات مسخره مقامات قطعی نان و بنزین در شکل یک هیولا در مقابل مردم است و چاره میطلبد. خشم بازار علیه راهکارهای قدیمی یا در مقابل، مردم نگویند بخت و حقانیت دست بردن به هر خس و خاشاک؛ دو قطبی مقابل وضعیت موجود نیست. پشت و روی یک سکه هستند که شورشیان و گرسنگان را با هم به قربانگاه مشترک میبرد. نقد فعال کارگری به نفس شورش (در معنای ماجراجویی و میلیتاریزم کور) و به نفس گرسنگی (با همه هاله ستایش فقر و دستهای پینه بسته و تسلیم) باید طنین انداز گردد. به این مساله باز خواهیم گشت.

اپیزود دوم: کدام دولت، دولت کدام طبقه!

یک برداشت مسموم و بی پایه دال بر دولت ناتوان و منفعل در اذهان عمومی انداخته شده که بدون لغو و انتقاد بیرحمانه آن تا قرنهای آینده در نکبت و فرودستی دست و پا خواهد زد. دولت در ایران و در تمام دنیا و در دل تاریخ با قدرت مجسم میشود. قدرت دولت بسیار فراتر از دستگاه امنیتی و رسمی سرکوب، در دستگاه مخوف رسانه ها، کرسی های دانشگاهی و سخنگویان ریز و درشت جریان دارد. همه جای دنیا دولت طبقه حاکم

سرمایه دار را در احزاب و افراد و برنامه ها و اهداف و روشهای عملی و نظری در خود سازمان میدهد تا در ترکیب و رقابت یا همکاری بهترین راه حل ممکن را پیش پای طبقه بگذارند.

در صحنه های تلویزیونی در صفحه اول تیراژ جراید صبح کشور گوش تا گوش شارلاتانهای تخریب پایه های زندگی و هستی همان مردم از بدتر شدن خبر میدهند و اینکه کاری نمیشود کرد و قرار نیست کاری صورت بگیرد. توجه خواننده این سطور را جلب میکنم که برای رضای خدا و وفاداری به فاکت و به حقیقت؛ فقط یک بار هم که شده استشنا دولت و مقام اول مملکت را نه بر اساس آنچه نمیداند و نمیفهمد (آقای پزشکین فرمودند چیزی از اقتصاد سرشان نمیشود و از اساتید و متخصصان استفاده خواهد شد!) نه بر اساس ناخنک باجناق و برادر و خواهر زاده های علی جنابان وزرا به خزانه بی صاحب مملکت مرتکب میگردند؛ بلکه تنها و تنها بر اساس آنچه مقامات ریز و درشت با کمال هوش و درایت و با تمام قدرت و ناموس و اعتقاد به انجام آن مشغولند مورد قضاوت قرار دهند:

شورش و خیزش و سرنوشت شوم آن جامعه در گرو دخالت دولت در غل و زنجیر دستمزدهای ستمگرانه است و این حاصل کارکرد مستقیم دولت است. تمام هارت و پورت دموکراتیک حکومتی آنوقت قرطاس بازی خانه کارگر را هم در چشم بندی تعیین دستمزدها اضافه کنید تا از دستمزدها، از اعداد روی کاغذ به توحش سرمایه روی کف سرد تولید، به شراکت وزارت کار و کارفرما برسید.

می‌رسید دولت کجاست؟ یک پرس و جوی سرپایی با هر کارگر شما را به ناامنی درندشت کار موقت و قراردادی و ناامنی شغلی رهنمون میشود. به یمن بکارگیری وسیع رایانه ای و کنترل جامع اطلاعات جامعه کارگری دخالت کارفرما و دولت از هر گوشه تولید به جنون کنترل کار و کارگر داده است. این مکانیسم بر اساس لغو و تعرض دلخواه و یکجانبه بر دریافتی کارگر یک سیستم گانگستر است که فقط بی اختیاری کارگر بر تنها مفر تامین نان و ملزومات زندگی خود و خانواده را اعمال میکند. قطع بیمه ها، قطع یارانه، قطع کوپن ها، تعویض دلبخواهی تاریخ اعتبار برگه های مالی و جنسی.. و هزار و یک چیز مشابه که «کاربر متقاضی گرمی» را به صبر و تکمیل پرونده دعوت میکند در یک یادآوری کوتاه است که به اوج اجرایی خود میرسد؛ ایشان اجازه نداد به اداره مربوطه مراجعه کند و موجب اجتماع و مزاحمت برای دایره اداری ایجاد کند!

هنر اصلی دولت در ایجاد دفاتر جداگانه میان شاغلین و بیکاران؛ تعریف منافع جداگانه برای آنها است. حق هر کس بر میزان تلاش و رقابت و جهد در تامین عملی هر چه بیشتر سود برای سرمایه است. آیا توحش بالاتر از این را میتوان سراغ گرفت؟

اپیزود سوم: کارگر چیست، کیست و کجاست؟

جامعه ایران را با جمعیت عظیم کارگر نامرئی باید شناساند. مردمی که در تشابه با خفاش که با دو بازوی خود و به یک ریسمان و در ارتباط با هم زنده هستند. در زیر زمین های کار و بهره کشی، در بیغوله های بهزیستی، در جمع وسیع لعنت خوردگان تن فروشی، معتادان، مشتریان کف بینی و در سوراخ سنبه های کنار در فرصتی برای شکار یک قطعه نان از خرت و پرت های دست فروشی سگ دو میزنند... و هنوز این جمعیت را باید شش میلیون افغانستانی، خوشبخت به حساب آورد که مطابق قانون مجازند در عصیان علیه وضع موجود شریک بشوند، کشته بشوند، و شاید یک قبر و تکه سنگی روی آن نصیبشان بشود که نام و نام فامیل نشان از او را به عالم و آدم بازگو باشد.

بازگشت به تیر و مرداد ۱۴۰۵

بنا به سایت داوطلب تیر ماه را با شصت و شش اعتراض کارگری در مراکز و حول مطالبات معرفی میکنند. با همین تعداد از کارگران و آمادگی آنها؛ با دسترسی به استدلال و محاسبات و در تجربه تعداد فضای جنگی و همه لطمات دیگر گویای آن است که آنچه بیشترین لطمات را به بار آورده تعطیلی کارخانجات و پراکندگی فعالین و آژیتاتورها است. سرمایه عظیم و گرانقدر طبقه کارگر ایران هستند و از ارتباط و سازمان بایی دستشان کوتاه است. هر تک مورد اعتراضات ذکر شده، اساسا فراخوانی برای نیروی کمونیزم است که نمیتوانند و باید از هر قدم و هر حرکت و سرمایه انقلابی بهره بگیرند. سرمایه انقلابی ایران را باید در باور و هزاران اعتصاب و «انقلاب کوچکتر» دید، و میدان داد. پیشرفت انقلاب در ایران نه با سرزنش و یا ناباوری به عصیانهای کمتر سازمان یافته بلکه به تقویت دستاوردهای ممکن در شرایط واقعا موجود گره میخورد.

تماس با حزب



@Hekmatistx

دبیرخانه حزب

dabirxane@hekmatist.com

دبیر کمیته مرکزی: آذر مدرسی

azar.moda@gmail.com

دبیر کمیته رهبری: خالد حاج محمدی

khaled.hajmohamadi@gmail.com

تشکیلات خارج کشور حزب: امان کفا

aman.kafa@gmail.com

دفتر کردستان حزب: محمد راستی

mohammed.raasti@gmail.com

حکمتیست هفتگی

سر دبیر: فواد عبداللہی

نینا را در شبکه‌های اجتماعی زیر دنبال کنید:

سایت نینا

radioneena.com

اینستاگرام

instagram.com/radioneena

تلگرام

https://t.me/RadioNeenna

فیسبوک

facebook.com/radioneena

hekmatist.com

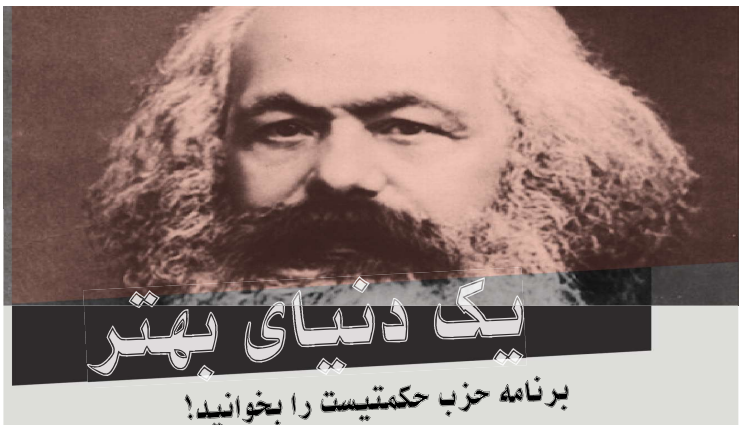
بر خلاف ادعاهای اسکات بسنت، تحریم همان محاصره اقتصادی است که مستقیماً مردم را از دسترسی به امکانات انرژی، غذا، و ... هدف قرار می دهد و به همین اعتبار جنایت جنگی علیه کل مردم به شمار می آید. همان جنایتی که در طول تاریخ مدون انسان، همواره علیه شهروندان توسط این یا آن حاکم متخاصم وقت، به کار گرفته شده است. اکنون هم، گرچه اتکا به نیروهای نظامی در پشت صحنه است، اما در دنیای جهانی شده سرمایه، مجریان حاضر در صحنه در قامت نهادهای قانونی بین المللی، بانک ها و شبکه های کامپیوتری و دیجیتال نقش بازی می کنند. جنایتی که مردم از کوبا تا غزه، از ایران تا ونزوئلا، و در بسیاری از کشورهای آفریقایی و آسیایی، همه جا قربانیان این سیاست هستند.

اگر تا قبل از این جنگ اخیر، اعمال تحریم ها تحت لوای «هدیه ای به مردم» ایران کادو پیچی می شد، اکنون دیگر حتی ترامپ هم اذعان دارد که تحریم های اقتصادی اعلام شده، در ادامه تحریم های گذشته، بخشی از همان جنگ است. جنگی که در آن مردم شاهد فرود موشک و بمباران نیستند، بلکه فلاکت، ویرانی و مرگ را نه یکباره بلکه در زندگی خود و همه جانبه تجربه می کنند.

امروز، با حتی اعلام تحریم ها، مردم در ایران نه تنها متحمل ویرانی حاصل از این جنگ، بلکه متحمل بیکاری گسترده و گسترش فقر هستند. جنگی که امریکا و اسرائیل آغاز کردند، تا همین جا موهبتی را در دامان جمهوری اسلامی در تقابل خود با مردمی که با اعتراضات خود، قدم به قدم حکومت را به عقب نشینی وادار می کردند، انداخت. گسترش تحریم ها مستقل از میزان قابل اجرا بودن آنها توسط آمریکا، بهانه ای دیگر به حکومت در قبال اوضاع وخیم زندگی مردم می دهد. بهانه ای که جمهوری اسلامی تلاش دارد تا از آن برای تحمیل بار سنگین تری بر دوش مردم استفاده کند.

اما این شرایط جنگی، چه نظامی، چه در «صلح» و با اقدامات اقتصادی، علیرغم تبلیغات جاری جمهوری اسلامی، قادر به زیر فرش کردن مشکل اصلی حکومت، در مقابل مردمی که برای سرنگونی آن ثانیه شماری می کنند، نیست. همه می دانند که مخاطب اصلی تمامی خط و نشان کشیدن های جمهوری اسلامی و ابزار قدرت خود در پس این جنگ، همین مردم هستند. مردمی که چندین دهه با انواع تحریم های گوناگون مواجه بوده اند، و همواره علیه آن و همچنین در مقابل تحمیل بار محاصره ها به خود، مقاومت و اعتراض کرده اند.

هفته گذشته، محسن زنگنه، رئیس کمیسیون ویژه حمایت از تولید مجلس، از افزایش درآمدهای نفتی اخیر و وصول پول آن گزارش داد، به طوریکه طبق گزارش خبرگزاری فارس، علاوه بر درآمدهای غیر نفتی، درآمد نفتی چهار ماه اول سال کفاف همه مخارج ارزی دولت از تیر تا دیماه امسال را میدهد. به عبارتی دیگر، در طی این مدت، امکانات معینی را جمهوری اسلامی در اختیار گرفته است. این امکانات نباید تنها برای حکومتی ها و فقر گسترده و بی امان برای مردم، تحت لوای تحریم ها، قرار گیرد. این خواسته عمومی مردمی است که از همان ابتدا علیه جنگ و علیه انداختن بار آن بر دوش خود بودند. تحریم های فراگیر تر توسط آمریکا امروز، مستقل از میزان توان آمریکا و شرکا در به اجرا درآوردن آن، اقدامی علیه مردم در ایران و جنایتی جنگی است. جنایتی که جمهوری اسلامی نیز به بهانه آن، تلاش می کند تا مزد و زندگی مردم در ایران، را گرو بگیرد. باید به این جنایت جنگی پایان داد.



یک دنیای بهتر

برنامه حزب حکمتیست را بخوانید!